

ماجرای عشق و عاشقی میدون

فرهنگ شیری ما



پوریا عالمی

• سلام سوفیا، عشق من. می‌دانی که من عشق تو هستم و تو هم عشق هنری، من هم می‌خواستم هنرمند شوم که تو خوشت بیاید. اما عاقبت هنر چیست؟ شیر شتر.

بله. دیروز عکسی از مجسمه پرویز مشکاتیان در نیشابور منتشر شد که بافتخار روش تبلیغ شیر شتر کرده بودند. شماره هم گذاشته بودند ۴۳۵۲۲۰۰-۰۵۱ که اگر به صورت اورژانسی کنار مجسمه مشکاتیان شیرلازم شدید و دوروبرتان شتر نبود با این دوستان تماس بگیرید که شیر و شتر را با هم برسانند.

می‌بینی سوفیا؟ تا حالا پیش آمده بروی شیرشترفروشی و بهت بلبت کنسرت یا تئاتر بدهند؟ نه. چون سرمزل مقصود شتر است و اگر کسی به شتر یا شیرش برسد، رستگار شده و به هنر نیاز ندارد. اما هنر و هنرمند و هنردوستان راه درازی تا شتر و شیرش دارند.

راستش سوفیا این عکس ثابت می‌کند شیر شتر از موسیقی و هنر برای ما لازم‌تر است. درواقع علاقه اصلی ما ایرانیان در شیر خلاصه می‌شود: شیر شتر، شیر سماور، شیر دستشویی، شیر مرغ و... و باقی چیزها فرع است. درواقع فرهنگ ما به دو دسته شیری و غیرشیری تقسیم شده و صداالبته فرهنگ و هنر غیرشیری فاقد ارزش والای آریایی است. سوفیا من وصیت می‌کنم اگر هنرمند سرشناسی شدم و مجسمه‌ام را ساختند، تو نگهانی بدهی که فقط روی مجسمه من تبلیغ شیر شتر کنند نه شیر خر.دوستت دارم و همه شیرهای شترهای جهان را به پایت می‌ریزم ای عشق شیری من؛ میدون دوم.



عکاس: یاسون نیکوکار

شتر روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۴ خرداد ۱۳۹۵ * ۷رمضان ۱۴۳۷ * ۱۳ ژوئن ۲۰۱۶ * سال سیزدهم * شماره ۲۶۰۶ * ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴ * اذان مغرب ۲۰:۴۲ * اذان صبح فردا ۴:۰۲ * طلوع آفتاب ۵:۴۸

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

محمدرضا ثقفی



دستور برخورد قاطع با تخلف مالی برخی مدیران



مهربانی بی‌پایان است اما...

برای شرکت در جشنواره بزرگ حساب‌های قرض الحسنه پس انداز بانک ملت

با ۵۰۰ جایزه ویژه

تنها ۷ روز فرصت باقیست



۱۵۵۶ کیلومتر اسکناس ۵۰ هزارریالی

معادل ۵۱۵/۵۱۵/۴۷۱ ریال برای ۱/۰۰۰ نفر به تساوی

۱۰۰۰ کمک هزینه خرید صنایع دستی هر یک به ارزش ۳۰ میلیون ریال

۵۰۰/۰۰۰ جایزه نقدی هر یک به ارزش ۷۰۰ هزار ریال

• آغاز دوره قرعه‌کشی و محاسبه امتیاز از ۱/ ۱/ ۱۳۹۴

• مهلت افتتاح حساب یا افزایش موجودی تا ۳/ ۳/ ۱۳۹۵

• هر ۵۰۰ هزار ریال در هر روز یک امتیاز

آکادمی

تهران، تابستان و ترومبوز سینوسی

بهبود یابند و بیماری منجر به بروز تمام علائم نشود و البته برخی از بیماران نیز ممکن است به‌سرعت فوت کنند! بنابراین تعداد بیماران بستری تنها مشتی نمونه خروار است. اما درهرحال اطلاع‌رسانی مناسب و انجام اقدامات پیشگیرانه در کاهش ابتلا و مرگ‌ومیر بیماری از اهمیت حیاتی برخوردار است. رسانه‌ها در تابستان‌ها می‌توانند این کار را به‌جای اطلاع‌رسانی کنجکاوانه در مورد بیماری‌هایی مثل ام‌اس که هیچ راه پیشگیری‌ای ندارند، انجام دهند. اطلاع‌رسانی به خانم‌ها و هشدار در مورد مصرف نکردن قرص‌های ضدحاملگی در دوران روزه‌داری به‌خصوص برای تأخیر قاعدگی، تشویق استفاده مداوم از آب و مایعات در روزهای تابستان، هشدار ویژه در مورد کم‌آبی بیمارانی که بیماری، آنها را مستعد ترومبوز سینوسی می‌کند و البته اطلاع‌رسانی عمومی در مورد فهرست بلندبالای این بیماری‌ها، تشویق یا اجبار استفاده از مرخصی‌های استحقاقی، استعلاجی و حتی تشویقی برای کارکنانی که در تابستان کار فیزیکی یا استعداد خاصی به ترومبوزیس دارند و... از جمله اقداماتی هستند که قطعاً می‌توانند از شیوع ترومبوز سینوسی به میزان قابل‌توجهی بکاهند.

• متخصص مغز و اعصاب

رئیس انجمن سکنه مغزی ایران

اتفاق

مهراب قاسم‌خانی از جذابیت‌های جام ملت‌های اروپا می‌گوید:

یورو ۲۰۱۶ زیر سایه مسائل خاورمیانه



اینها در حد جوک است. خیلی اینها را جدی نگیرید. این دست حاشیه‌ها فقط به درد آتهایی می‌خورد که فوتبال نمی‌فهمند و می‌خواهند یک جوری در این ایام سرگرم باشند. موضوعات مهم در جام ملت‌های اروپا بیشتر حول مسائل سیاسی می‌چرخد، مثلاً همین اظهارنظر اخیر یکی از نمایندگان پارلمان آلمان درباره اینکه هیچ‌کدام از هم‌وطن‌هایش حاضر نیست همسایه یک سیاه‌پوست باشد، خب چنین اظهارنظری قطعاً روی بازی‌ها تأثیر می‌گذارد و انگیزه بیشتری به من می‌دهد که بازی‌ها را ببگیری کنم. به‌طورکلی، یورو ۲۰۱۶ واقعاً سیاسی‌تر از سال‌های قبل است چون الان اروپا درگیر مسائل خاورمیانه است و کشورهای یر از مهاجر، امسال بازی‌ها را به شکل متفاوتی تجربه می‌کنند. ورزشگاه‌ها احتمالاً پر می‌شود از مهاجرانی که برای اولین‌بار به صورت زنده و از نزدیک فوتبال قاره اروپا را می‌بینند. **• چرا این‌قدر فوتبال برای تو و برای سبب‌سازی از افرادی مانند تو که ارتباط مستقیمی با این ورزش ندارند، جذاب شده؟**

می‌دانی، من درامی قوی‌تر از فوتبال نمی‌شناسم. واقعاً تأثیر یک بازی فوتبال می‌تواند خیلی خیلی بیشتر از سینما باشد. درامی که در فوتبال اتفاق می‌افتد، درامی است که در آن بازیکنان فوتبال از تیم‌ها و زندگی‌های مختلف وارد صحنه می‌شوند و طبیعی است که پر از قصه‌های کوچک و خرده‌داستان باشد. من به فوتبال از این‌ زاویه نگاه می‌کنم و همین موضوع کلی دیدن یک بازی را جذاب می‌کند.

پویش اهالی هنر و رسانه در حمایت از کودکان

بدرسپرست با شعار «بدرسپرست تنهاتر است» آغاز به کار کرد. همه ما بارها با خبرها و صحنه‌های دردآوری از ستم‌شدن به یک کودک بی‌پناه روبه‌رو شده‌ایم؛ کودکانی که توسط پدران و مادران بی‌صلاحیت و گرفتار اعتیاد، در معرض انواع آسیب‌ها هستند. هدف این پویش حمایت از کودکان معصومی است که آگاهانه یا ناآگاهانه توسط اولیا و سرپرستان خود در شرایط سخت و دشواری قرار می‌گیرند. کودکانی که به‌اصطلاح رایج «بدرسپرست» خوانده می‌شوند و همواره در معرض خطر زه‌دیدگی و بزه‌کاری قرار دارند. رؤیا تیموریان یکی از هنرمندان همراه با پویش «بدرسپرست تنهاتر است» حمایت از کودکان بی‌پناه و بدرسپرست را وظیفه‌ای انسانی می‌داند و می‌گوید: «سالانه خبرهای ناگواری از آزار کودکان معصومی که زیر شکنجه جان می‌دهند و ناهنگاهی ندارند می‌شنویم و افسوس می‌خوریم، حال آنکه می‌توانیم با تصویب قانون و نظارت بر زندگی کودکان معصوم، مانع این اتفاقات دلخراش باشیم». به گفته او «ما می‌توانیم با حمایت از کودکان، حد و مرزی معین برای خانواده‌ها قائل شویم و به آنها آموزش دهیم که کودک جسم و شیء متعلق

ماده پیدا شده که باعث لغزندگی و چسبیده‌نبودن خون می‌شوند. اما احتمالاً تعداد مکانیسم‌های دخیل بسیار بیشتر از اینهاست. اگر یکی از این مکانیسم‌ها در فردی به‌طور ژنتیک ضعیف‌تر از بقیه مردم باشد، ممکن است در شرایط خاص این سیستم تخلیه دچار انسداد یا کندی شود و به‌اصطلاح ترومبوز پدید آید. مهم‌ترین این شرایط زمانی است که خون به دلیل کم‌آبی غلیظ‌تر از سابق شده باشد و داروهایی هم که اعتقاد خون را افزایش می‌دهند مصرف شده باشند. ترکیب تابستان، فعالیت فیزیکی و مصرف قرص‌های ضدحاملگی (که اعتقاد خون را تشدید می‌کنند) ترکیبی است که هرساله در تابستان خانم‌های زیادی را مبتلا به ترومبوز سینوسی می‌کند. البته در سال‌های اخیر با توجه به درک فزاینده از این بیماری که منجر به تشخیص موارد بیشتروبیشتری شده، معلوم شده است ابتلا به این بیماری در تابستان‌های داغ تهران محدود به شرایط برشمرده نیست و ترومبوز سینوسی حتی در مردان به‌ویژه در کسانی که کارهای فیزیکی داشته‌اند هم دیده شده است. البته درحال حاضر نمی‌توان تخمین درستی از شیوع این بیماری داشت. کیفیت علائم این بیماری که آن را به صورت یک مقلد بزرگ درمی‌آورد ممکن است باعث تشخیص‌های دیگری شود. برخی از بیماران ممکن است خیلی سریع



بابک زمانی

هرسال در ابتدای تابستان انجمن سکنه مغزی خود را موظف می‌داند که درباره ترومبوز سینوسی یک‌بار دیگر هشدار چندساله خود را تکرار کند. سینوس‌های مغز، وریدهای بزرگی هستند که خون را از مغز تخلیه می‌کنند. سیستم تخلیه خون از مغز اگر ظرفیت‌تر و پیچیده‌تر از سیستم ورود خون به مغز نباشد، از آن ساده‌تر هم نیست. خونی که با فشار، هر لحظه وارد محفظه کوچکی مثل مججمه می‌شود باید با همان میزان از مغز خارج شود. کوچک‌ترین اختلال در تخلیه این خون باعث افزایش آب و تورم مغز می‌شود. از سوی دیگر در سیستم خروجی خون از مغز موتور محرکه‌ای مثل قلب که خون را وارد مغز کند، وجود ندارد. بنابراین سرعت جریان خون هم در سیستم وریدی بسیار آهسته‌تر است. اینکه در اکثریت مطلق موارد این سیستم بدون هیچ اختلالی مایعی غلیظ نظیر خون را از رگ‌ها یا لوله‌هایی که شیشه‌ای نیستند، عبور می‌دهد، حاکی از سیستم بسیار دقیقی است که اولاً خون را لغزان و ثانیاً جریان آن را مداوم می‌کند. تاکنون بیش از چنده

سلام به فردا

درباره برنامه دورهمی ومیهمانی که درازای پول حاضر به تخریب تخت جمشید شد صدواسیما اگر خوش آموزی ندارد بد آموزی نکند



محمدامین قانعیراد

• گلایه‌های زیادی داریم؛ از مادی‌گرایی، از غلبه ارزش‌های مادی و آدم‌هایی که حاضرند در قبال مادیات فرهنگشان را بفروشند. کمتر روزی است که حرف و حدیثی درباره اینکه جامعه ما کالایی شده است، نشنویم؛ حرف‌هایی که گاهی اتفاقاً درست هم هست. در جامعه‌ای که آموزش در آن هر روز بیشتر به سمت تجاری و بازاری‌شدن پیش می‌رود و مسئولان آموزش‌وپرورش و آموزش عالی در آن از طرح‌هایی که پولی‌شدن آموزش، مدرک‌فروشی و حاکمیت ضابطه‌های مادی بر مدارج آموزشی را در پی دارند، دفاع می‌کنند، این مادی‌گرایی بعید هم نیست و اگر قرار است کسی پاسخ‌گوی این وضعیت باشد، مسئولان آموزشی کشور در ابتدای این صف ایستاده‌اند؛ اما در کنار همه این‌س مباحث که در جای خود می‌تواند بررسی شود، یک نقد جدی نیز بر صدواسیما جمهوری اسلامی ایران وارد است. به‌تازگی در برنامه دورهمی مجری برنامه، میهمان را در برابر این پرسش قرار می‌دهد که در ازای چندر پول حاضر است روی دیوار تخت جمشید یادگاری بنویسد. میهمان هم پس از چندین بار تعلل و در برابر پرسش دوباره مجری، روی عدد ۲۰۰ میلیون تومان توقف می‌کند و می‌گوید حاضر است این کار را در قبال گرفتن این مبلغ انجام دهد. باید پرسید مجری با چه هدفی این سؤال را مطرح کرده؟ آیا قصد آگاهی‌بخشی و آموزش‌دهی داشته است؟ اگر هدف این بوده باید پس از اولین‌بار که میهمان از پاسخ‌دادن به این سؤال ظفره رفته، از او تشکر و قدردانی می‌کرده که ما هنرمندانی داریم که حاضر نیستند میراث فرهنگی کشورشان را بفروشند؛ اما اصرار بر این سؤال که میهمان را وسوسه کند، فقط بدآموزی است. ما نباید افراد را در موقعیت‌هایی قرار دهیم که با فشار پرسش و پول، حاضر به زیرپا گذاشتن هنجارهای جامعه شوند. هرکسی ممکن است تحت تأثیر ارقام نجومی، ناهنجاری را برگزیند؛ اما این وظیفه ماست که افراد را در موقعیت‌هایی که انتخاب ناهنجاری در آن ممکن است، نگذاریم و بر انتخاب این ناهنجاری اصرار نوزیریم. از صدواسیما توقع می‌رود اگر خوش‌آموزی ندارد حداقل بدآموزی نداشته باشد. برنامه‌های صدواسیما باید از ابعاد مختلف تجزیه و تحلیل شود؛ اما معتمد آنچه امروز از رسانه ملی کشور مشاهده می‌کنیم تنها دو جنبه دارد: محتوای این رسانه یا در حال تزریق نگاه خاص است یا تزریق مادی‌گرایی و سطحی‌نگری. این محتوا همان‌طور که مشخص هم هست نمی‌تواند چندان تأثیری در ارتقای کیفیت سطح زندگی مردم داشته باشد. به همین دلیل بیش از هر زمانی صدواسیما به آسیب‌شناسی نیاز دارد و ساخت برنامه‌های این‌چنینی نیز در وضعیت صدواسیما تأثیرگذار نیست. مردم ما دوست داشتند در ابتدای ماه مبارک رمضان ربنا ای استاد شجریان را بشنوند که نشنیدند. نمی‌دانم این برنامه‌ها که هر روز هم سطحی‌تر و مادی‌تر می‌شوند چقدر به علایق و خواسته آنها از صدواسیما نزدیک است؟

• درباره پیش‌گویی‌ها چه نظری داری؟ دوره قبل پای یک هشت‌پا در میان بود و امسال هم یک پنگون.

پویش اهالی هنر و رسانه در حمایت از کودکان بدرسپرست با شعار «بدرسپرست تنهاتر است» آغاز به کار کرد. همه ما بارها با خبرها و صحنه‌های دردآوری از ستم‌شدن به یک کودک بی‌پناه روبه‌رو شده‌ایم؛ کودکانی که توسط پدران و مادران بی‌صلاحیت و گرفتار اعتیاد، در معرض انواع آسیب‌ها هستند. هدف این پویش حمایت از کودکان معصومی است که آگاهانه یا ناآگاهانه توسط اولیا و سرپرستان خود در شرایط سخت و دشواری قرار می‌گیرند. کودکانی که به‌اصطلاح رایج «بدرسپرست» خوانده می‌شوند و همواره در معرض خطر زه‌دیدگی و بزه‌کاری قرار دارند. رؤیا تیموریان یکی از هنرمندان همراه با پویش «بدرسپرست تنهاتر است» حمایت از کودکان بی‌پناه و بدرسپرست را وظیفه‌ای انسانی می‌داند و می‌گوید: «سالانه خبرهای ناگواری از آزار کودکان معصومی که زیر شکنجه جان می‌دهند و ناهنگاهی ندارند می‌شنویم و افسوس می‌خوریم، حال آنکه می‌توانیم با تصویب قانون و نظارت بر زندگی کودکان معصوم، مانع این اتفاقات دلخراش باشیم». به گفته او «ما می‌توانیم با حمایت از کودکان، حد و مرزی معین برای خانواده‌ها قائل شویم و به آنها آموزش دهیم که کودک جسم و شیء متعلق